



گاهنامه قرآنی و مذهبی سراج
سال اول، شماره سوم
مرداد ۱۴۰۰

حسینیه در خانه

بی تفاوت نباشیم

یک تیر و چند نشان

ولایت مدار بی همتا

صبر جمیل زینبی

جامانده و...



آید...
ارباب صدای اقتدرت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَنزَلَ هَذِهِ السُّورَةَ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا
يُخْفِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَنزَلَ هَذِهِ السُّورَةَ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا
يُخْفِي

امیر محمد بن سراج

سراج

- گاهنامه قرآنی و مذهبی سراج
- سال اول، شماره سوم، مرداد ماه ۱۴۰۰
- ویژه نامه ماه محرم
- صاحب امتیاز: کانون قرآن و عترت معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمان
- مدیر مسئول: فاطمه منظری توکلی
- سردبیر: فاطمه منظری توکلی
- صفحه آرایی و حروف چینی: راضیه فیضی
- شماره مجوز: ۱۰/۵۰/۱۳۷۸
- هیئت تحریریه: سجاد محمدیان/ محمد جواد ضیاء الدینی/ فریما آرونند/ مهلا قاسمی/ سیما میرشکارپور/ فاطمه رضا پور/ نجمه مهدی زاده/ فاطمه منظری توکلی/ فروزنده محمودی/ ساجده خزاعی/ زینب غیاثی پور/ ناهید طاهری نژاد/ راضیه فیضی

اگر دین ندارید لاقل آزاد باشید

چرا امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا خطاب به دشمنان فرمود: «اگر دین ندارید لاقل آزاد باشید»؟

معنای سخن امام (علیه السلام) این است که ای مردم اگر بندگان خدا را نپذیرفته اید و جهان پس از مرگ برای شما باور پذیر نیست و زندگی را در همین چند صباح دنیا تعریف می کنید، لاقل ارزش های انسانی را زیر پا نگذارید و به حجت های باطنی که از عقل و فطرت سرچشمه می گیرد پایبند باشید. مورخین می گویند: این کلام ایشان در روز عاشورا و پس از آنکه همه یاران و اصحاب و فرزندان ایشان به شهادت رسیدند، در شرایطی از دو لب مبارکشان صادر شد که به تنهایی مشغول نبرد بودند و تیرها و نیزه ها از هر سو بدن مبارک ایشان را آماج خود قرار داده بود و امام آخرین رمق های خود را برای ادامه مبارزه و جهاد به کار بسته بودند که ناگهان نگاهشان به لشکر انبوهی می افتد که به فرماندهی شمر بن ذی الجوشن (لعنه الله علیه)، بین امام و خیمه های آن حضرت فاصله شده و قصد حمله به خیمه های امام را داشتند.

ایشان با دیدن این صحنه رو به آنها کرده و فرمودند: «ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی هراسید، در دنیایتان آزاد باشید...»

شمر گفت: حسین! چه می گویی؟! امام فرمود: من با شما می جنگم و شما با من نبرد می کنید، این زنان گناهی ندارند؛ پس تا من زنده هستم از تعرض یاغیانان به خانواده من جلوگیری نمایید و به خیمه ها حمله نکنید.»

این بیان نورانی در آن لحظات حساس بیانگر این است که مردم کوفه چنان در ورطه بی دینی غوطه ور شده بودند که گویا امام (علیه السلام) دیگر از آنان توقع رفتاری مبتنی بر اصول و ملاک های دینی نداشت بلکه به حداقل اقتضائات و شاخصه های انسانی اکتفا نموده از آنها می خواست لاقل به محدوده حیوانیت تنزل نکنند؛ چراکه بالاخره حتی اگر انسان دینی اختیار نکرده باشد، اگر به درون خود و به عقل و فطرتش بنگرد و الزامات انسان بودن خویش را درک نماید، از بسیاری اعمال زشت اجتناب می نماید.

فهرست مطالب



صفحه عنوان مطالب

سخن سردبیر

۱

اعمال ماه محرم الحرام

۲

حسینیه در خانه

۳

مسابقه مهدوی

۴

بی تفاوت نباشیم

۵

محال است تن به ذلت دهیم

۶

یک تیر و چند نشان

۷

شبها محرم

۹

ولایت مدار بی همتا

۱۰

صبر جمیل زینبی

۱۱

کمی در محضر زیارت عاشورا

۱۳

جامانده

۱۴

جدول

۱۵

زیبایی حقیقی

۱۷

اندر محرم حضرت
که در کربلا زنده
نزد مظلومت

مظلومیت امام حسین علیه السلام به معنای کوچکی و ذلت نیست بلکه ایشان عظیم ترین مبارزو مجاهد تاریخ اسلام است؛ چون او در چنین میدانی ایستاد و ترسید و مجاهدت کرد. امام این انسان بزرگ، به قدر عظمتش، مظلومیت دارد. همان قدر که بزرگ است، همان قدر هم مظلوم است؛ و با غربت هم به شهادت رسید.

سراج
۱۳۹۱ / ۰۶ / ۱۰

گریه کردن بر امام حسین علیه السلام زنده نگه داشتن نهضت امام حسین علیه السلام است. دستجات سینه زنی را حفظ کنید که دشمن از آن می ترسد. تکلیف ما را سیدالشهداء معلوم کرده است در میدان جنگ از قتل عدد ترسید، از شهادت ترسید. اکنون ملت ما دریافته است که «کل يوم عاشورا کل ارض كربلا». ما با خدای خویش عهد نموده این که دنباله روی امام خود سیدالشهداء علیه السلام باشیم.

سراج
سراج

سراج

به نام خداوندی که هم جان است و هم جانان

سلام و عرض ادب خدمت همه دوستان عزیز
فرا رسیدن ماه محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر را بر عاشقان امام حسین (ع) تسلیت عرض می کنیم.

حسین بیشتر از آب، تشنه لبیک بود اما افسوس که به جای افکارش زخم های تنش را نشانمان دادند و بزرگ ترین درد او را بی آبی نامیدند؛ ما در این شماره از نشریه می خواهیم افکار امام حسین (ع) را برای شما عزیزان به قلم درآوریم. از خداوند متعال سپاسگزاریم که بار دیگر این فرصت را در اختیار ما قرار داد تا سومین شماره نشریه سراج را با محوریت محرم تهیه و تنظیم نمائیم.

از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه نشریه سراج یاری نمودند، نهایت تشکر را داریم.

ضمن اینکه از دانشجویان اهل قلم دعوت به عمل می آوریم تا در تهیه و تدوین هر چه بهتر مطالب نشریه سراج ما را یاری بفرمایند.

“خداوند یار و یاور شما”

و مِنَ اللَّهِ تَوْفِيقُ

راضیه فیضی

کارمند

اعمال ماه محرم الحرام

بَذَلْ مَهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتْ تَنْقُذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ
او خون خویش را در راه تو نثار کرد، تا بندگان را
از نادانی و سرگستگی و گمراهی نجات دهد
(بخشی از زیارت اربعین)

وقایع این ماه

اول محرم: آغاز سال هجری قمری

دوم محرم: ورود کاروان اباعبدالله الحسین علیه السلام به سرزمین کربلا (۶۱ ه. ق)

سوم محرم: خریداری قسمتی از ارض کربلا توسط امام حسین علیه السلام این اراضی همان مکتبی است که قبر مطهر در آن قرار دارد. (۶۱ ه. ق)

- ورود سپاه «عمر بن سعد» به سرزمین کربلا (۶۱ ه. ق)
چهارم محرم: سخنرانی «عبیدالله بن زیاد» علیه امام حسین علیه السلام در مسجد کوفه. (۶۱ ه. ق)

پنجم محرم: اعزام سپاه ابن زیاد جهت ممانعت از حرکت مردم کوفه برای یاری امام حسین علیه السلام. (۶۱ ه. ق)

ششم محرم: دعوت «حبیب بن مظاهر» از طایفه ی بنی اسد برای یاری امام حسین علیه السلام. (۶۱ ه. ق)
هفتم محرم: ممنوعیت استفاده از نهر فرات برای کاروان امام حسین علیه السلام به دستور عمر بن سعد. (۶۱ ه. ق)

هشتم محرم: ملاقات امام حسین علیه السلام با «عمر بن سعد» در کربلا. (۶۱ ه. ق)

نهم محرم: تاسوعای حسینی (۶۱ ه. ق)
جواب ردّ حضرت ابوالفضل علیه السلام به امان نامه ی شمر بن ذی الجوشن (۶۱ ه. ق)

دهم محرم: عاشورای حسینی (۶۱ ه. ق)
- شهادت امام حسین علیه السلام به همراه یارانش در صحرای کربلا توسط سپاه یزید. (۶۱ ه. ق)

یازدهم محرم: آغاز حرکت اسرا و اهل بیت «امام حسین علیه السلام» به شام. (۶۱ ه. ق)

اعمال شب عاشورا

۱- چند نماز برای این شب در روایات آمده است که یکی از آنها چنین است:

چهار رکعت نماز که در هر رکعت بعد از سوره حمد، ۵۰ بار سوره توحید خوانده می شود. پس از پایان نماز، ۲۰ بار «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله و الله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلیّ العظیم» خوانده شود.

۲- احیای این شب کنار قبر امام حسین (علیه السلام).

۳- دعا و نیایش.

روز عاشورا

۱- عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا، در این مورد از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است: هر کس کار و کوشش را در این روز، رها کند، خداوند خواسته هایش را برآورد و هر کس این روز را با حزن و اندوه سپری کند، خداوند قیامت را روز خوشحالی او قرار دهد.

۲- زیارت امام حسین (علیه السلام).

۳- روزه گرفتن در این روز کراهت دارد؛ ولی بهتر است بدون قصد روزه، تا بعد از نماز عصر از خوردن و آشامیدن خودداری شود.

۴- آب دادن به زائران امام حسین (علیه السلام).

۵- خواندن سوره توحید هزار مرتبه.

۶- خواندن زیارت عاشورا.

۷- گفتن هزار بار ذکر «اللهم العن قتلة الحسين (علیه السلام)».

روز بیست و یکم محرم

۱- روزه این روز مطلوب است.

اعمال شب اول ماه محرم

۱- نماز: این شب چند نماز دارد که یکی از آنها به شرح ذیل است:

دو رکعت، که در هر رکعت بعد از حمد یازده مرتبه سوره توحید خوانده شود.

در فضیلت این نماز چنین آمده است: «خواندن این نماز و روزه داشتن روزش موجب امنیت است و کسی که این عمل را انجام دهد، گویا تمام سال بر کار نیک مداومت داشته است.»

۲- احیای این شب.

۳- نیایش و دعا.

روز اول محرم

از امام محمدباقر (علیه السلام) روایت شده است: «آن کس که این روز را روزه بدارد، خداوند دعایش را اجابت می کند، همانگونه که دعای زکریا (علیه السلام) را اجابت کرد.»

دو رکعت نماز خوانده شود و پس از آن سه بار دعای زیر قرائت گردد:

«اللهم انت الاله القدیم و هذه سنة جديدة فاسئلك فيها العصمة من الشيطان والقوة على هذه النفس الامة بالسوء»

روز سوم محرم

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «هر کس در این روز روزه بگیرد، خداوند دعایش را اجابت کند.»

روز هفتم محرم

روزه گرفتن مستحب است.

منبع: مفاتیح الجنان

حسینیه در خانه



دیروز میگفت خودش و همکاراش دیگه جون ندارن از بس از بیماری بد حال مراقبت کردن؟ ندیدی چقدر نگران بود و میگفت جاهای پرخطر نرین! ماما جون دیابت داره اگه خدایی نکرده مریض شه ممکنه چیزیش شه! چقدر بیمار زمینه ای توی محله داریم. مردم عادی هیچی، به نظرت اونا گناه ندارن؟ کادر درمان گناه ندارن؟ خانواده هاشون گناه ندارن؟ اونا رو به زحمت بندازیم امام حسین ازمون ناراضی نمیشه؟

محمد که اندکی قانع شده بود گفت: خب نمیشه که عزاداری نکنیم. مثلاً شیعه ایم ها!))

پدر جواب داد: ((نورچشمم! مگه گفتیم عزاداری نکنیم؟ دیدی که به دیوار خونه کتیبه امام حسین زدیم. الانم دور هم میشینیم با تلویزیون زیارت عاشورا میخونیم. موقع مداحی و روضه هم لامپ ها رو خاموش میکنیم که راحت همراه بقیه عزادارها گریه کنیم. مامانت هم که چای روضه دم داده. دیگه چی میخوای؟))

مادر گفت: ((تازه غذای امشبم قیمة ست. قیمة امام حسینی!))

محمد با یه لحن ناراحت گفت: ((حق با شماست. امام حسین نمیخواه عزادارش به بقیه آسیب برسونه. هر چند توی خونه به اندازه مسجد

-سمت راست رو بیار پایین تر
-خوب شد؟

-آره! آره! راستی بابا! برای منم پرچم یا رقیه خریدی؟
-آره توی همون نایلونه! یادم بیار پیام توی اتاقت برات نصبش کنم.

پدر از روی چهارپایه پایین آمد، از فاصله دورتری به باباالفضل روی پرچم نگاه کرد و اندوه تاسوعا به گلویش بغض نشاند.

صدایش رو بالاتر برد و صدا زد: ((محمد! کجا موندی؟!)) الان زیارت عاشورا شروع میشه ها!
محمد از اتاقش بیرون آمد و غر زد: ((من میخواستم برم مسجد. چی میشه حالا بذارین برم؟ عزاداری اینجا کیف نمیده. اونجا همه دوست هام هستن.

مادر از آشپزخانه بیرون آمد و جواب داد: ((پسرم! عزیزم! هزاربار برات توضیح دادم. کروناست. نمیشه! امام حسین عزادار مسئولیت پذیر میخواد. بریم مسجد زندگی همه رو به خطر انداختیم. اعتمادی به این ویروس نیست؛ شاید همین منی که هیچ علامتی ندارم ناقل باشم. خوبه پیام اونجا به بقیه انتقال بدم؟ زندگی دوستان و خانواده شون و هرکس که اونجا هست رو به خطر بندازم؟ دیدی خاله سمیرا



پدر با رضایت گفت: ((همیشه به این درکت افتخار میکنم بابا! آدم باید شور و شعور حسینی رو با هم داشته باشه. بعضی ها جاهایی میرن که فضای باز باشه، ماسک میزنن، فاصله رو رعایت میکنن؛ البته بازم امکان انتقال هست. اونایی که میتونن قوانین رو رعایت کنن میرن، ولی که ما مسجد محله مون حیاط کوچیکی داره بهتره این کار رو نکنیم. بلاخره جون این همه آدم چیزی نیست که بشه باهاش شوخی کرد. حق الناس بزرگیه. همیشه ریسک کرد. حالا بیا بشینیم که زیارت عاشورا داره شروع میشه)). همه خانواده جلوی تلویزیون نشستند. مادر که میخواست راحت گریه کند عقب تر از بقیه نشست. سلام اول را همه باهم زمزمه کردند. ((السلام عليك يا ابا عبد...))

و همه باهم دعا کردند که این بلا از دنیا رفع شود و دوباره همه بتوانند زیر علم ابا الفضل جمع شوند و شب تاسوعا را عزا بگیرند.



مسابقه

مسابقه مهدوی

ویژه ماه محرم الحرام

- ۱- دهم محرم چه روزی است؟
الف) اخراج حضرت آدم از بهشت ب) رحلت حضرت آدم (ع) ج) شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) د) همه موارد
- ۲- این سخن از کیست؟ اکنون ملت مادر یافته است که «کل يوم عاشورا کل ارض کربلا»
الف) امام صادق (ع) ب) امام خمینی (ره) ج) امام خامنه ای دامت برکاته د) شهید مطهری (ره)
- ۳- دلیل خروج امام حسین علیه السلام به فرموده خودشان چیست؟
الف) حکومت بر اسلام ب) زندگی راحت با شیعیان کوفه ج) نبلودی طافوت د) احیای امر به معروف و نهی از منکر

به ۵ نفر از کسانی که به سوالات پاسخ صحیح بدهند به قید قرعه جوایزی اهداء می گردد.

مهلت ارسال: پایان ماه محرم الحرام

ارسال پاسخ تنها از طریق اپلیکیشن واتساپ به شماره: ۰۹۰۲۰۸۸۵۳۳۱

واجب فراموش شدن

فاطمه منظری توکلی

مهندسی بهداشت محیط ۹۸

بی تفاوت نباشیم

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، ماموری محسوب می‌شود که بدون تردید خداوند نیروهای خویش را به یاری او خواهد فرستاد.

در این باره امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده‌ای هستند که هرکس آنها را یاری کند خدا یاریش می‌کند و هرکس آن دو را تنها گذارد، خدا تنهایش می‌گذارد.

در روایتی ارزشمند از امام باقر (ع)، امر به معروف و نهی از منکر را موجب آبادی سرزمین‌ها بیان می‌فرماید. مردم با احیای این فریضه‌ی مهم موجب نزول برکات الهی می‌شوند. به طور مثال: اگر مردم در برابر کم فروشی و ربا سکوت نکنند، این امر باعث می‌شود اثرات سوء این گناه شوم از دامن جامعه کوتاه شود یا اگر در مقابل بدحجابی سکوت کنند، بدحجابی افراد جامعه را فرا می‌گیرد.

چرا ما در عصر حاضر مسلمان هستیم؟ چون نسل قبل از ما امر به معروف و نهی از منکرمان کرده‌اند...

استاد مرحوم آیت الله مجتبی‌ی تهرانی می‌فرمودند: اگر امر به معروف و نهی از منکر قدیمی‌ها نبود، اسلام شاید به دست ما نمی‌رسید... معلوم نبود ما الآن مسلمان باشیم یا نه. چرا نسل بعد خدایی نکرده، ممکن است از اسلام فاصله بگیرد و شاید هم دارد می‌گیرد؟! چون این نسل حاضر ما امر به معروف و نهی از منکر انجام نمی‌دهد.

اگر فرزندان‌تان را دوست دارید، اگر می‌خواهید در جامعه سالم رشد کنند و خودشان سالم بمانند، باید امر به معروف و نهی از منکر کنیم، این هم جزء برکاتش هست...

"بی تفاوت نسبت به گناه دیگران نباشیم"

دهیم تن به ذلت مصلحت است



بزرگی حادثه کربلا از چه نظر است؟ آیا از نظر فجیع بودن است؟ قطعاً این فاجعه فاجعه کم نظیری است ولی فاجعه عظیم و شاید عظیم تر از این در دنیا زیاد بوده. خود فاجعه مدینه کمتر از فاجعه کربلا نبوده عظمت مطلب از لحاظ سیدالشهدا و یاران آن حضرت است، نه از لحاظ ابن زیاد و ابن سعد و اتباع و اشیاع آنها؛ عظمت سعادت است نه عظمت شقاوت... کربلا بیش از آن اندازه که نمایشگاه شقاوت و بدی و ظهور پلیدی بشر باشد، نمایشگاه روحانیت و معنویت و اخلاق عالی و انسانیت است؛ و به عبارت دیگر در این قضیه از آن جنبه باید نگاه کرد که اباعبدالله و ابوالفضل و زینب قهرمان داستانند نه از آن جهت که شمر و سنان قهرمان داستانند.

تمام فاجعه کربلا برای این بود که امام؛ رای خود را نفروخت. از قبل از مردن معاویه و همچنین بعد از مردن او در دوره یزید چه در وقتی که امام در مدینه بود، چه در مکه، چه در بین راه و چه در کربلا آنها از امام فقط یک امتیاز می خواستند و اگر آن یک امتیاز را امام به آنها می داد نه تنها کاری به کارش نداشتند بلکه انعامها هم می کردند و امام هم همه آن رنج ها را تحمل کرد و تن به شهادت خود و کسانش داد که همان یک امتیاز را ندهد. آن امتیاز فروختن رای و عقیده بود. در آن زمان صندوق و انتخاباتی نبود بیعت بود و بیعت آن روز رای دادن امروز بود پس امام اگر یک رای غیر وجدانی و غیر مشروع میداد شهید نمی شد، شهید شد که رای و عقیده خودش را نفروخته باشد.

یک تیر و چند نشان

معاویه با آنکه می‌دانست امام حسین (ع) اگر فرصتی بیابد، علیه او قیام می‌کند و با اینکه او حتی گاهی امام (ع) را تهدید نیز می‌کرد، ولی از اقدام عملی بر ضد آن حضرت پرهیز داشت. پس از مرگ معاویه شرایط تغییر کرد؛ زیرا از سویی یزید به فسق و فجور و بی‌دینی شهرت یافته بود و از انجام هیچ گناهی حتی به صورت علنی پروا نمی‌کرد. او جوانی خام و بی‌تجربه بود و هیچ سابقه ای در اسلام نداشت. به همین دلیل، میان صحابه و فرزندان آنان نیز دارای امتیاز و مقبولیتی نبود.

از سوی دیگر گروه زیادی از مردم کوفه برای همراهی امام حسین (ع) اعلام آمادگی کرده بودند. امام (ع) زمینه را برای افشای چهره واقعی بنی‌امیه و یاری دین خدا، فراهم دید و با هدف احیای دین خدا قیام و حرکت خویش را آغاز کرد. آن حضرت در مرحله نخست در صورت امکان در پی تشکیل حکومت اسلامی بود و در غیر این صورت، با شهادت خود و یارانش به تکلیف خود عمل می‌کرد. او در کلمات گوهر بارش، انگیزه‌های قیام خود را بیان فرموده است که آنها را ذکر می‌کنیم.

اول: افشای چهره واقعی بنی‌امیه

«وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ بَلَّيْتَ الْأُمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ؛- زمانی که امت اسلامی گرفتار زمامداری مثل یزید شود، باید با اسلام خداحافظی کرد».

امام حسین (ع) در اینجا تصریح کرده که با وجود حکومتی که یزید در رأس آن است، دیگر امیدی به بقای دین خدا نمی‌رود. از کلام امام (ع) برداشت می‌شود که باید در برابر این خاندان فاسد قیام کرد، آن هم با افشای چهره واقعی آنها.

دوم: احیای سنت پیامبر (ص)

امام حسین (ع) در نامه‌ای به جمعی از بزرگان بصره، هدف از قیام بر ضد حکومت یزید را احیای سنت پیامبر (ص) بیان می‌فرماید: «وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ؛ من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می‌خوانم؛ چرا که (این گروه) سنت پیامبر (ص) را از بین برده‌اند».

سوم: مبارزه با بدعت‌ها

امام (ع) در همان نامه‌ای که به بزرگان بصره نوشته بود، فرموده است: «وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُخِيَّتْ؛ این گروه بدعت (در دین) را احیا کردند».

معاویه برای پیشبرد اهداف خویش و تحکیم پایه‌های مقام خود که سخت به آن علاقه داشت، در احکام اسلامی و دین هم بدعت‌هایی پدید آورد که مهم‌ترین آنها انحراف خلافت از مسیر صحیح خود و تبدیل آن به سلطنت استبدادی و موروثی به ویژه انتخاب فرزندان آلوده و ناصالحش برای ولایتعهدی بود.

یکی دیگر از بدعت‌ها، چگونگی مصرف بیت‌المال بود؛ زیرا در دوران معاویه، بیت‌المال به عنوان ثروت شخصی او و دودمانش در آمد و کسی نمی‌توانست درباره بیت‌المال از او بازخواست کند. بدعت دیگر، جواز ازدواج با دو خواهر در یک زمان بود و صدها بدعت دیگر که شمارش همه آنها در این مقاله نمی‌گنجد.

چهارم: مبارزه با فساد آشکار

پنجم: احیای حدود الهی

ششم: مبارزه با اتلاف کنندگان اموال فقیران

امام حسین (ع) در مسیر کربلا، با فرزندان ملاقات میکند و از خلاف‌کاری‌های حاکمان شام و قیام برای نصرت دین خدا سخن می‌گوید و می‌فرماید: «يَا فِرَزْدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَتَرَكَوْا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ، وَأَظْهَرُوا الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ، وَأَنْطَلَوْا الْحُدُودَ، وَشَرَبُوا الْخُمُورَ، وَاسْتَأْثَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَأَنَا أُولَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ، وَإِعْزَازِ شَرْعِهِ، وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلْيَا؛ ای فرزندان! اینان گروهی هستند که پیروی شیطان را پذیرفتند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و در زمین فساد را آشکارا ساختند، و حدود الهی را از میان بردند، و باده‌ها نوشیدند، و دارایی‌های فقیران و بیچارگان را ویژه خود ساختند، و من از هر کس به یاری دین خدا و سربلندی آیینش و جهاد در راهش سزاوارترم، تا آیین خدا پیروز و برتر باشد».

شبهات



امام به گریه نیاز نداره

عده ای با ژست #روشنفکر دینی می گویند: امام حسین (ع) شهید نشد که ما گریه کنیم و توی سر و کله بزنیم باید راه حسین را شناخت حسین به این عزاداریها نیاز ندارد.



پاسخ
این حرف درستی است که امام حسین (ع) به #گریه ما نیاز ندارد.
خداوند هم به نماز و عبادت ما احتیاجی ندارد پس انجام ندهیم؟
اصلاً اینجا حرف از #نیاز امام حسین (ع) به عزاداری ما نیست. این شبهات با حرفهای قشنگ دینی مخلوط میشود. کسانی که ادعای #روشنفکر دینی دارند به این سوال جواب دهند، چرا امام موسی کاظم (ع) که #خودشان امام معصوم هستند برای امام حسین (ع) عزاداری میکردند؟
امام رضا (ع): هر گاه ماه #محرم فرا می رسید، پدرم (موسی بن جعفر علیه السلام) دیگر خندان دیده نمی شد و غم و افسردگی بر او غلبه می یافت تا آن که ده روز از محرم می گذشت، روز دهم محرم که می شد، آن روز، روز مصیبت و اندوه و #گریه پدرم بود. امامی صدوق، ص ۱۱۱
یا چرا امام صادق (ع) از قول پدرشان میفرماید: پدرم امام باقر (ع) به من فرمود: «ای جعفر! از مال خودم فلان مقدار #وقف نوحه خوانان کن که به مدت ده سال در «منا» در ایام حج، بر من نوحه خوانی و سوگواری کنند. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۰»

ولایت عباس سیاست و سیاست



رفتار حضرت عباس (علیه السلام) در این مورد گویای دفاع راستین او از حریم ولایت و برائت از دشمنان است. او بدون کوچک ترین توجه به مناسبات قبیله ای و قوم گرایی ها، فریاد کشید و گفت: «دست هایت بریده باد! خداوند تو و امان نامه ات را لعنت کند. آیا به ما امان می دهی، در حالی که پسر رسول خدا (صلي الله عليه و آله و سلم)، امام حسین (علیه السلام)، امان ندارد؟ به ما امر می کنی که به اطاعت این نفرین شدگان الهی و فرزندان ملعون و پلید آنان در آییم؟»

او اینگونه بر چکاد افتخار ایستاد و بلندترین چکامه را در ولایت پذیری سرود، لذا مسئله شهادت حضرت عباس (علیه السلام) تنها مسئله نهادن جان بر سر اهداف آن حضرت نیست، مهم تر از آن سطح بالای معرفت آن حضرت نسبت به مقام امام علیه السلام و آمادگی بی قید و شرطشان برای انجام فرمان آن حضرت و درک صحیح معنای ولایت است که در لابه لای کلمات و رفتار حضرت عباس (علیه السلام) موج میزند.

حضرت عباس (علیه السلام) که باور و اعتقادش، تمام تلاش ها و موضع گیری های او را در مسیر ولایت قرار داده است، بهترین اسوه ولایت پذیری است؛ چون خط سیاسی او پیوسته بر اطاعت از امام و مخالفت رفتاری و گفتاری با دشمنان امام استوار بود. او، این ویژگی را تا لحظه شهادت زنده نگه داشت که بهترین گواه بر این سخن، تقاضای دشمن برای جدا شدن او از صف هواداران ولایت و رد کردن آن از سوی حضرت عباس (علیه السلام) بود.

در عصر تاسوعا، دشمن کوشید با استفاده از روابط قومی و قبیله ای، حضرت ابوالفضل (علیه السلام) را از لشکر حسینیان جدا سازد. به همین منظور، شمر بن ذی الجوشن که نسبت خانوادگی با ام البنین (علیها السلام) داشت، به خیمه حضرت عباس (علیه السلام) نزدیک شد و فریاد زد: «خواهرزاده های ما کجایند؟»

شمر از قبیله بنی کلاب بود و در عرب رسم بود که دختران قبیله خود را خواهر می گفتند. شمر پا را فراتر نهاد و برای رسیدن به مقصود خود به حضرت عباس (علیه السلام) امان نامه تسلیم کرد. دشمن که برق شمشیر و توفان دستان حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در دفاع از ولایت را در جنگ های پیشین دیده بود، می خواست با این حربه پوسیده، شکست را بر سپاه امام تحمیل کند.

رهبر مسلمین

سید و سالار
سقا حسین

صبر: جمیل زینب

صبر زینب جمیل است، زینب بلا را زیبا می بیند چون بلا را بلا نمی بیند بلکه تحفه ای از سوی دوست می داند. به راستی کیست که مانند زینب از آغاز طفولیت تا پایان حیاتش در آماج مصائب سیراب گشته باشد؟ در حالیکه پنج سال بیشتر نداشت، قلب نازنینش عزادار بزرگترین پناه جهان اسلام، جدش رسول خدا شد. هنوز داغدار ارتحال رسول الله بود که صدای لشکر غاصب کوردلی از پشت در به گوشش رسید، گروهی آمده اند علی داغدار را به زور و با دستان بسته برای بیعت با خلیفه ببرند، زینب کوچک می بیند چگونه پدرش را آورده اند، می بیند آتش کشیدن خانه را، می بیند ضربه های مغیره و قنفذ را، می بیند میان در و دیوار قرار دادن مادرش را، می بیند شهید شدن برادر متولد نشده اش را، سرانجام می بیند در نیمه شبی پدر با صورتی پر از اشک، پیکر بی جان مادر را غسل می دهد. پس از فقدان مادر، زینب مدت ۲۵ سال شاهد سکوت تلخ و اجباری پدر بود و ۵ سال حکومت و خلافت پدر نیز پشت سر گذاشت، در حالیکه مضطرب و پریشان جنگ های جمل و صفین و نهروان بود تا آنکه در شب نوزدهم سال چهلیم شاهد فرق شکافته و محاسن رنگ آلود به خون شد. زمانه همچنان برای زینب آبستن حوادث تلخ و سهمگین است، او شاهد مسموم و شهید شدن برادرش امام حسن (علیه السلام) است و می بیند بر جنازه برادرش نیز رحم نمی کنند و تیربارانش می کنند ولی زینب باز هم صبر می کند، او باید صبر کند و بماند تا در روز موعود شاهد شهادت عزیزانش باشد، او باید صبر کند و بماند تا از امام و مولایش دفاع کند، او باید صبر کند و بماند تا رنج اسارت ببیند و در اسارت از پرده نشینان حریم الهی محافظت نماید، او باید صبر کند و بماند تا در برابر ظالم ترین فرد تاریخ



دین سیر نور جلو دار زینب است



به روشنگری و هدایت گری‌های آسمانی‌اش بپردازد، او باید صبر کند و بماند تا مردم گمراه و غفلت زده دیار خاموشان را با حقیقت اسلام و پیامبر آشنا سازد و بالاخره او باید بماند تا روز عاشورا را درک کند و صدای ملکوتی مولایش حسین را بشنود که فریاد «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُنْصُرُنِي» سر می‌دهد و ببیند که اصغر شیرخواره اش چگونه سیراب می‌شود. در حالیکه غم از دست دادن عزیزترین افراد، قلب نازنین زینب (علیها السلام) را می‌آزرد، سفر طولانی و طاقت فرسای اسارت از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام آغاز شد و با توجه به بیماری امام سجاد (علیه السلام) قافله‌سالاری این کاروان غم‌زده و مصیبت‌دیده، به عهده زینب بود. در این سفر نیز زینب شاهد وقایع تلخی بود، از جمله: نشان دادن سرهای بریده شهدا بر سر نیزه‌ها، بی‌تابی کودکان یتیم و ماتم‌زده و خسته، بیماری امام سجاد (علیه السلام) که با حالتی بسیار دلخراش به همراه کاروان در حرکت بود، هتک حرمت حرم رسول خدا، شادمانی مردم کوفه و خارجی خواندن خاندان پیامبر اسلام و صدها فجایع و مصیبت دیگر، مصیبت‌هایی که یکی از آنها برای از پا درآوردن هر انسان کافی است، اما زینب کبری (علیها السلام) همچون کوهی سترگ و استوار، با خطبه‌های آتشین خود در کوفه و شام وظیفه افشاگری ظلم بنی‌امیه را به خوبی انجام داد و نهضت حسینی را به جهانیان عرضه کرد. اگر صبر و پایداری حضرت زینب نبود از اسلام اثری نمی‌ماند. خطبه‌ها، مبارزه‌ها و افشاگری‌های زینب، یزید و یارانش را رسوا کرد و چهره واقعی آنان را شناساند. امروز با اینکه ۱۴ قرن از حادثه کربلا می‌گذرد، بقای اسلام مرهون شجاعت و استقامت زینب (س) است.

"کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود"

السَّلامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

نجمه مهدی زاده

مهندسی بهداشت محیط ۹۸

کمی در محضر زیارت عاشورا

زیارت عاشورا ستم‌هایی را که بر شیعه وارد شده است با دو ضمیر «کُم» و «ک» برشمرده است. مرجع ضمیر «کُم» اهل بیت و مرجع ضمیر «ک»، امام حسین (ع) است. عبارت «أُمَّةٌ أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجُورِ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ»، «أُمَّةٌ دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا»، «الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِاَلْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ» که در ابتدای زیارت آمده و «النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ» که در اواسط زیارت آمده و معنی فارسی آنها عبارتند «از مردمی که ظلم و جور به شما اهل بیت را پایه‌گذاری کردند، مردمی که از شما را از منصبتان دور کردند و از مدارجی که خداوند برای شما مقرر کرده بود محرومتان کردند»، «مردمی که با شما جنگیدند و شما را کشتند و مردمی که از امرای ظلم و جور برای جنگ با شما اطاعت کردند» و عبارت «بر پا کنندگان جنگ با شما» یادآور برخورد غیر انسانی و خشن نیروهای سیاسی مخالف اسلام با اهل بیت بعد از رحلت رسول خدا (ص) است. یا عبارت «أُمَّةٌ أَسْرَجَتْ وَالْجَمَّتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكُمْ» «مردمی که زمین نهادند و مهار کشیدند و نقاب بستند برای نبرد با تو» به حوادث عاشورا اشاره دارد و دو فراز دیگر در زیارت عاشورا وجود دارد که در یکی روز عاشورا روزی معرفی شده است که بنی امیه و فرزندان جگر خوار آن را مبارک شمرده‌اند و در فراز دیگری روز عاشورا روزی معرفی شده که آل زیاد و آل مروان به دلیل کشتن امام حسین در آن روز خوشحال شدند.

عمر بن سعد، و شمر را به عنوان اشخاص ظالم نام برده است. ویژگی مشترک این افراد و گروه‌ها ظلم آنان به اهل بیت و جنگ و دشمنی با اهل بیت بوده است. در جای جای زیارت عاشورا این بخش از امت مورد لعن واقع شده، از آنان براءت اکید حاصل شده و حتی در دو فراز پایانی زیارت، این لعن به تمامی ظالمانی که در طور تاریخ در حق محمد (ص) و آل محمد (ع) ظلم کرده‌اند و می‌کنند تعمیم یافته است. هدف از این لعن‌ها این است که مسلمانان باید به پیروی از خداوند از طیف ظالم در حق پیامبر و خاندانش (ع) - یعنی مخالفان حکومت امامتی - براءت بجویند و مسیر خود را با خط محمد (ص) و آل محمد هماهنگ نمایند.

مهدویت و خونخواهی: در دو فراز زیارت عاشورا از خدا خواسته شده که خونخواهی امام حسین را به زعامت امام منصور از اهل بیت محمد (ص) یا امام هدایت‌گری که ناطق به حق است روزی گرداند.

جامانده



در تاریخ کوفیان را به عنوان انسان هایی بی وفا و عهد شکن میشناسیم که روزی بخاطر مسائل دنیایی شان و تنگ آمدن از ظلم و ستم های آل امیه و معاویه حدود هجده هزار نامه به امام حسین علیه السلام نوشتند و خواستند که برای نجاتشان به کوفه بیایند اما چون امام را برای رفع حاجات دنیوی می خواستند؛ وقتی که یزید، ابن زیاد را با هزاران دینار راهی کوفه کرد و به هرکدام از اهالی مبلغ زیادی داد؛ طبیعتاً دیگر کوفیان نیازی به امام حسین (ع) نداشتند و عهد شکنی کردند.

اما چگونه کسانی که شبانگاه در حال مناجات بودند و غالباً حافظان قرآن بودند، قرآن ناطق را شهید کردند؟ امام حسین (ع) علت اثر نکردن سخنانشان در آنها را اینطور بیان کردند: «صدای مرا نمی شنوید چون شکم هایتان از حرام پر شده و بر دل هایتان مهر غفلت خورده است».

در کربلا افرادی بودند که نتوانستند دعوت سیدالشهدا را لبیک گویند:

دسته اول افرادی همچون **عمر سعد** بودند که جاذبه های دنیا و تعلقات آنچنان جذباتشان کرده بود که به تعبیر قرآن کریم دلشان مرده و به بیان امیرالمومنین دنیا کورشان کرده بود.

دوم کسانی بودند که نتوانستند حق و باطل را تشخیص دهند و خود را بی طرف می دانستند. مانند **عبدالله بن حر جعفی** که به امام گفت: «من از کوفه بیرون آمدم که نه با ابن زیاد باشم، نه با شما.» اینگونه افراد هم طبق روایتی از امیرالمومنین که فرمودند: «هر کس با نیست پس علیه ماست.» طرف باطل کشیده می شوند.

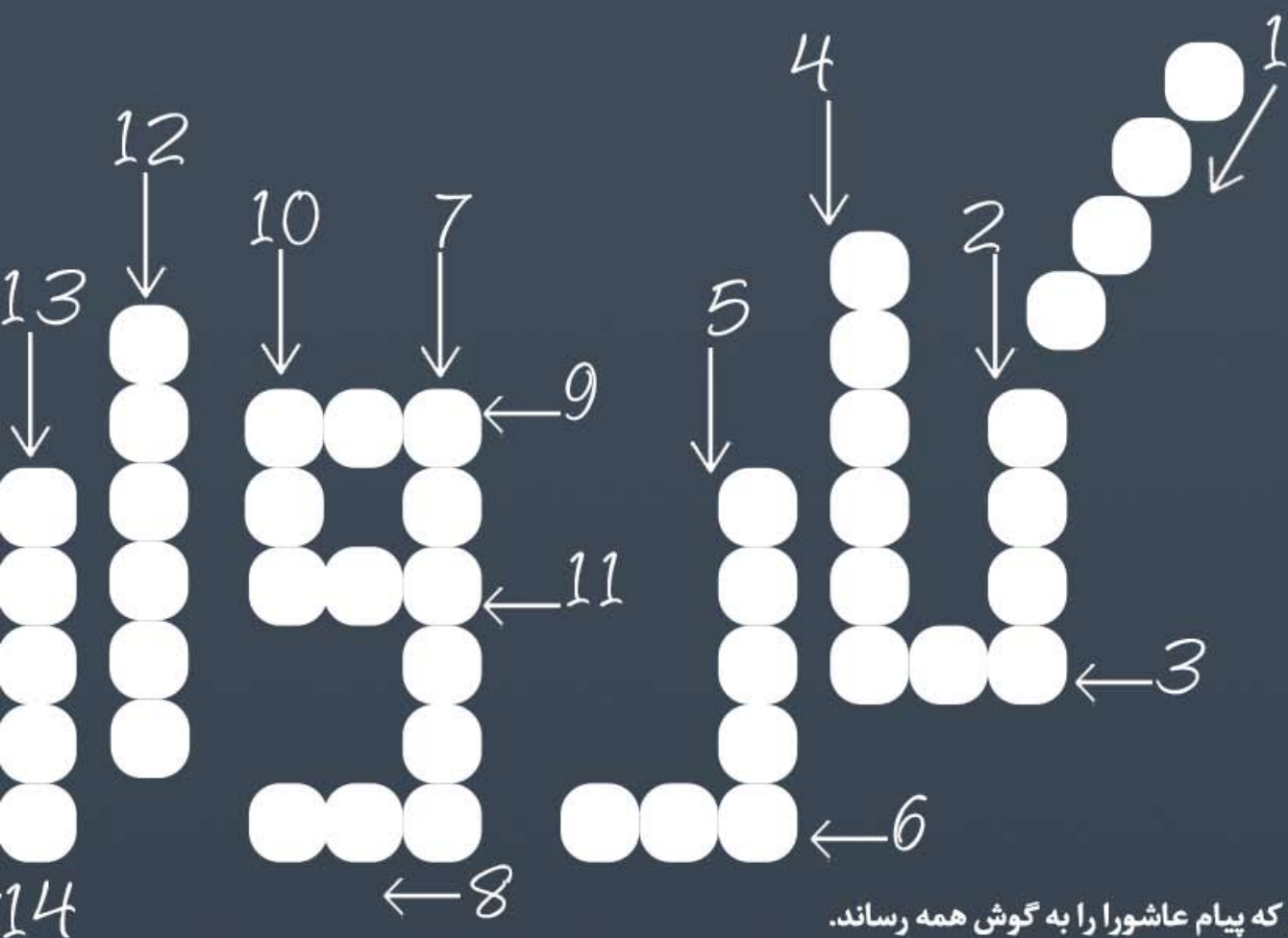
سوم افرادی مثل **ظحاک بن عبدالله مشرقی** بودند که برای بودن با اباعبدالله و کمک به ایشان شرط گذاشتند. به عبارتی؛ تسلیم امر ولی خدا نبودند. ظحاک به امام گفت: «اگر بودن من فایده ندارد و جنگ شما مغلوب شد، من می روم.» ضحاک با امام تا روز دهم ماند و جنگید. تا اینکه یاران امام همگی به شهادت رسیدند و فقط تعدادی اندک ماند. سپس نزد امام حسین علیه السلام آمد و شرط خود را یادآور شد. و امام فرمودند: تو آزاد هستی...!»

چهارم کسانی که آدم هایی خوبی بودند مثل **طرماح** که شاعر محب اهل بیت بودند، اما اولویت های دیگری داشتند که آنها را به بودن با امام ترجیح دادند. طرماح به امام گفت: «من خوارباری برای خانواده ام از کوفه تهیه کرده ام، نزد آن ها می روم و به آنها می رسانم، سپس به سوی شما بر می گردم. اگر به شما رسیدم به طور قطع از یاران شما خواهم بود!» اما وقتی رسید خیلی دیر شده بود و جنگ پایان یافته بود.

و اینگونه بود که چنین افرادی از قافله عشق جا ماندند و سعادت همراهی اباعبدالله را از دست دادند

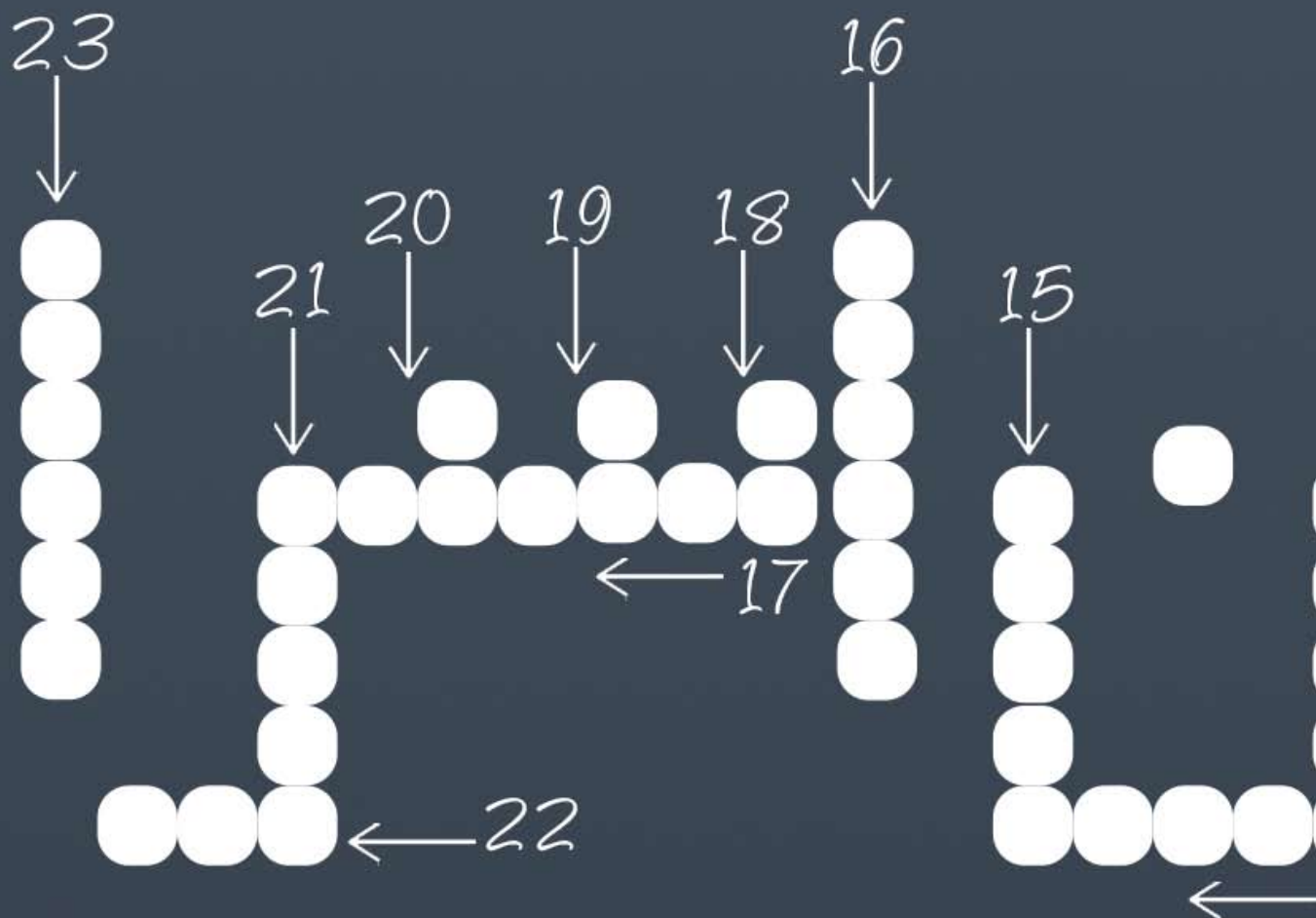
اما باید توجه داشته باشیم که این قافله عشق هنوز در حال گذر است و این کربلا در هر لحظه و هر جایی مدام تکرار می شود و امروز در عصر غیبت، ندای «**هل من ناصر ینصرنی؟**» حضرت مهدی موعود (عج)، حسین زمانمان، به گوش می رسد و کیست که دعوت عشق را لبیک گوید؟ اینک از خود بپرسیم: ما نیز همچون مردم کوفه بی وفا هستیم؟ لقمه هایمان حلال است یا حرام؟ ما جزء کدام دسته از افراد هستیم؟ آیا ما نیز همچون کوفیان حضرت ولی عصر (عج) را برای منافع خود می خواهیم یا نه؛ خودمان را برای او می خواهیم...؟ اگر جا مانده ایم، سریعتر خود را برسانیم.





1. شیرزنی که پیام عاشورا را به گوش همه رساند.
2. دختر کوچک امام حسین علیه السلام که در شام شهید شدند.
3. پیامبر قوم عاد.
4. فرمانده لشکر یزید در کربلا.
5. نامی دخترانه به معنی حمد ستودن.
6. شهری که یزید در آن جا حکومت میکرد و کاروان اسرا را به آنجا بردند.
7. روز بازگشت اسرا به کربلا.
8. نام سوره ای که دو بسم الله دارد.
9. با آن نان می پزند.
10. رنج و زجر جسمی.
11. نام سوره ای در قرآن کریم به معنی سرزمین.
12. اربعین امام حسین علیه السلام در این ماه است.
13. مردی که به خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام کرد.





14. زیارتی خطاب به امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا که در روز اول رجب خوانده می شود.
15. زکاتی که در آخر ماه مبارک رمضان بر هر مسلمانی واجب می شود.
16. روز شهادت امام حسین.
17. حاکم شهر کوفه که دستور جنگ با امام حسین علیه السلام را صادر کرد.
18. مخالف عرب.
19. اول شخص مفرد.
20. شهری که عمر سعد با وعده خلافت در آن جا فریب خورد و به جنگ امام آمد.
21. پیامبری که شمشیر و زره میساخت.
22. نام سوره ای به معنی روزگار.
23. نام کاخی که معاویه در دمشق ساخت و اسرای کربلا را به آنجا برد.

فریما آروند

فیزیوتراپی ۹۶



زیبایی حقیقی

پس از حادثه کربلا وقتی زن و فرزندان شهدا را، به همراه حضرت زینب به عنوان اسیر نزد عبیدالله بن زیاد بردند، او که خود را پیروز این نبرد می دید، برای اینکه زخم زبانی به اهل بیت امام حسین (ع) بزند رو به حضرت زینب (س) کرد و گفت: خدا را شکر می کنیم که شما را رسوا کرد و تکذیب نمود. حضرت هم در پاسخ، این جمله معروف خود را به زبان آوردند که «ما رأینا الا جمیلاً»: آن چه برای ما اتفاق افتاد رسوایی نبود بلکه همه زیبا و دل پسند بود و در ادامه هم فرمودند: شهدای کربلا کسانی بودند که خداوند، شهادت را برای آنها انتخاب کرده بود، و در روز قیامت، تو را به همراه آن ها در یک جا جمع کند تا هر کدام دلیل خود را بیاورید، و آن وقت خواهی دید که چه کسی پیروز است.

به طور کلی انسانهایی که به روز قیامت اعتقاد ندارند و به دنبال دنیا هستند و به دستورات خداوند گوش فرا نمی دهند، گمان می کنند که پیروزی، در زنده بودن و رسیدن به پول و مقام است، به همین دلیل هم ابن زیاد خود را پیروز می دید چون توانسته بود امام حسین (ع) و یارانش را به شهادت رسانده و اموالشان را غارت کند. اما غافل از این که، پیروزی و رسیدن به سعادت در نزد خداوند، انجام دادن دستوراتی است که او برای ما انسانها معین فرموده، و هر کس از آن دستورات سرپیچی کند، در واقع شکست خورده، اگرچه به ثروت و مقامی هم برسد. در این میان، امام حسین (ع) و اصحاب او بودند که به فرمان الهی گوش فرا داده و به وظیفه ای که برعهده آنها گذاشته شده بود به خوبی عمل نمودند، پس آنها بودند که به پیروزی و سعادت رسیدند و مشخص

است که هیچ چیزی برای آنها شیرین تر و گواراتر و زیباتر از عمل کردن به وظایف الهی نبود، و لذا حضرت زینب (س) همه آنچه را که اتفاق افتاده بود را زیبا دانستند چون تک تک وظایف خود را که خداوند برعهده آنها نهاده بود، به بهترین وجه انجام دادند.

می توان این مسئله را به صورتی دیگری نیز بررسی نمود و آن این است که امام حسین (ع) و اصحاب ایشان و نیز حضرت زینب، خدای متعال را در همه چیز و همه جا می دیدند یعنی در هر اتفاقی که برای آنها رخ می داد، خدا را در آن اتفاق و حادثه با چشم دل مشاهده می کردند و فرقی هم نمی کرد که آن اتفاق، آسان و خوشایند باشد یا سخت و مصیبت بار، ولی چون هدف خدا بود و در سختی ها هم، خدا را مشاهده می کردند و خود را به او نزدیک می دیدند، این سختی ها نیز برای آنها زیبا و گوارا بود و لذا حضرت فرمود همه آن مصیبت ها و حادثه های تلخ برای ما زیبا بود. ما رأیت الا جمیلاً یعنی من به جز زیبایی چیزی ندیدم و آنچه مشاهده کردم همگی زیبا بود.

به طور خلاصه باید گفت هر کس که در کارهایش فقط خدا را مدنظر داشته باشد و آن کار را برای رضای خدا انجام دهد تمام حوادث و اتفاقات آن کار برای او شیرین و زیباست و این معنا و تفسیر همان جمله معروف حضرت زینب (س) است.



روزگار جزیر برای این دکن منتهای



quranetratkmu



quranetrat_kmu



quranetratkmu



<http://quranetrat.kmu.ac.ir>

کانون قرآن و عترت معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمان